روزنه

رئیس‌جمهور:

فشار مضاعف اقتصادی به مردم پذیرفتنی نیست

● **ایسنا:** رئیس‌جمهور در ستاد هماهنگی اقتصادی دولت، گفت: دولت امیدوار است با اقدامات انجام‌شده، در کنار پیگیری مجدانه برای تولید داخلی واکسن، در هفته‌های آینده با خرید واکسن از شرکت‌های مختلف و انتقال آن به داخل کشور، واکسیناسیون بر اساس اولویت‌بندی و جدول آماده‌شده از جامعه هدف در کشور با اولویت کادر درمانی و سالمندان آغاز شود. حسن روحانی با تاکید بر لزوم تسریع در اقدامات و فعالیت‌های انجام‌شده در این زمینه عنوان کرد: بانک مرکزی، وزارت امور خارجه و سازمان برنامه و بودجه باید در کنار وزارت بهداشت که مسئول دقت‌های لازم کارشناسی است، به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که خرید و انتقال واکسن به کشور سریع‌تر به سرانجام برسد. او با اشاره به تجارب به‌دست‌آمده از خلال سه سال مقابله با جنگ تحمیلی اقتصادی گفت: دولت با تکیه بر تجارب به‌دست‌آمده از ایستادگی در برابر این جنگ تمام‌عیار و خنثی‌سازی تحریم‌های غیرانسانی، بودجه سال آینده کشور را با هدف توسعه اقتصادی و نیز حمایت مؤثر معیشتی از مردم، تنظیم کرده است. روحانی عنوان کرد: وضعیت و شرایط اقتصادی کشور اقتضا می‌کند که با لحاظ تمامی الزامات، نیازها و داشته‌های کشور، افقی امیدوارکننده و آرامش‌زا در توسعه اقتصادی و معیشت و مردم باید اثرات مثبت آن را در زندگی خود احساس کنند. به همین دلیل باید هرگونه تصمیمی که منجر به فشار مضاعف اقتصادی به معیشت مردم و اقتصاد کشور شود، پذیرفته نخواهد بود.

مصباحی‌مقدم خبر داد

جزئیات نامه روحانی به رهبری درباره FATF

● **باشگاه خبرنگاران جوان:** حجت‌الاسلام غلامرضا مصباحی‌مقدم عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره نامه رئیس‌جمهور به مقام معظم رهبری درباره لوایح FATF، گفت: نامه رئیس‌جمهور به رهبری حاوی دو مسئله بود؛ یکی اینکه مجمع با توجه به اینکه شرایط جدیدی در کشور پدید آمده است این دو لایحه را بررسی کنند. دوم اینکه فرصت رسیدگی به این دو لایحه را تمدید کنند. آیین‌نامه مجمع تنها برای همین مورد تمدید می‌شود و این مورد به صورت دائمی نیست.

تأثیر فوت دو آیت‌الله یزدی بر اردوگاه اصولگرایی

آغاز عصر مکلاها

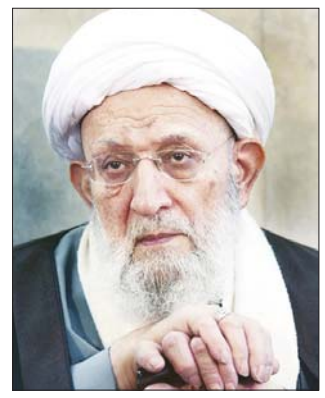

زنگ پایان شیخوخیت اگرچه سال‌هاست در اردوگاه اصولگرایی نواخته شده اما درگذشت دو چهره کاریزمای شاخص روحانی یعنی آیت‌الله محمد یزدی رئیس جامعه مدرسین و آیت‌الله مصباح یزدی پدر معنوی جبهه پایداری به طور قطع بر نمادهای باقی‌مانده از روزگاران بر صدر بودن شیوخ اصولگرا در سیاست پایان داد. از این دو نفر در سال‌های آخر در کنار آیت‌الله مهدوی‌کنی رئیس جامعه روحانیت مبارز، در بزنگاه اختلاف به‌ویژه در کوران انتخابات به عنوان سه‌ضلعی وحدت‌بخش جریان اصولگرایی یاد می‌شد حتی نمادین. با درگذشت آیت‌الله مهدوی‌کنی در سال ۹۳ این سه‌ضلعی لرزان به دوضلعی بدل شد و با درگذشت دو آیت‌الله دیگر به فاصله یک ماه همه نمادهای وحدت به طور کامل از بین رفت. نکته قابل تأمل اینکه حتی بعد از فوت آیت‌الله مهدوی‌کنی برخی می‌گفتند دو چهره باقی‌مانده یعنی مصباح یزدی و محمد یزدی هم وجاهت مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی را ندارند که مورد وثوق تمام جریان‌های سیاسی باشند و به عنوان محور وحدت عمل کنند. واقعیت هم همین بود. مثلا آیت‌الله مصباح یزدی به عنوان لیدر یا پدر معنوی جبهه پایداری شناخته می‌شد تا کل جریان اصولگرایی و به خاطر برخی دیدگاه‌های خاص و حداکثری این جریان بسیاری از اصولگرایان تمایلی به دادن نقشی همانند مهدوی‌کنی به او نداشتند. حالا اصولگرایان که در دوران حیات این شیوخ در این سال‌های آخر به سختی تن به وحدت می‌دادند در دوران پساشیخوخیت باید راه تازه‌ای برای خود پیدا کنند. البته اگر فضای سیاست به گونه‌ای پیش رود که نیاز به وحدت را حس کنند. اگر قرار باشد رقیب جدی برای همیشه کنار زده شود، قطعا اصولگرایان دغدغه وحدت نخواهند داشت و در یک فضای رقابت درون‌گروهی به تقسیم قدرت خواهند پرداخت.

شیوخ طردشده

اما بحران شیخوخیت در اصولگرایی لزوما به درگذشت شیوخشان مربوط نیست. آنها پیش از این برخی از چهره‌های متنفذ خود را حتی در دوران حیاتشان از دست داده‌اند. ناطق نوری و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی از این جمله‌اند که اولی هنوز در قید حیات است. اصولگرایان اگر سعی در طرد ناطق نوری نکرده بودند، قطعا او این روزها بهترین چهره برای راهبری سیاست در میانشان بود. ناطق سال ۸۴ سعی کرد سنت شیوخ را با حضور فردی خودش تقویت کند. همین به مذاق جامعه روحانیت و آیت‌الله مهدوی‌کنی خوش نیامد. برخی اخبار حاکی از این است که آنچه باعث اختلاف ناطق و اصولگرایان شد به پیش از مناظره‌های سال ۸۸ احمدی‌نژاد بازمی‌گردد. مهدوی‌کنی از اینکه ناطق به عنوان عضو جامعه روحانیت می‌خواست فردی نقش شیخ لیدر را به عنوان رئیس شورای هماهنگی نیروهای انقلاب ایفا کند دلخور بود و آن را عنوان هم کرده بود. هرچه بود نتیجه‌اش به ضرر هر دو شد. نه ناطق در مقام شیخ اصولگرایان باقی ماند و نه جامعه روحانیت تقویت شد.

نهاد به جای شیوخ؟

در روزگار پایان شیخوخیت، طیف سنتی‌تر جریان اصولگرایی به دنبال حفظ نهال نازک سنت شیخوخیت زیر چتر جامعه روحانیت‌اند تا از بقایای این سنت در غیاب چهره‌های کاریزمای نسل نخست انقلاب حفاظت کنند. با درگذشت آیت‌الله مهدوی‌کنی نقش و اثرگذاری جامعه روحانیت به طور کامل کم‌رنگ شد. قطعا با درگذشت آیت‌الله یزدی نقش جامعه مدرسین هم کم‌رنگ خواهد شد. تنها تفاوت این است که به نظر می‌رسد فوت آیت‌الله مصباح یزدی به کم‌رنگ‌شدن جبهه پایداری در سیاست منجر نشود. چون این جبهه برخلاف دو نهاد دیگر هم به لحاظ ساخت جریانی و هم میانگین سنی اعضا نوپاست و اتفاقا مسیر خودش را جدای از بود یا نبود آیت‌الله مصباح یزدی می‌رود. سهم آنها از ساختار قدرت در اصولگرایی در سال‌های اخیر رو به فزونی بوده است. این روزها طیفی از اصولگرایان سعی می‌کنند شورای وحدت را با محوریت جامعه روحانیت تقویت کنند. حجت‌الاسلام حسین ابراهیمی عضو جامعه روحانیت پیش‌تر گفته بود: «اوضاع به‌هرحال در حال تغییر و تحول است. نسل سوم دارد روی کار می‌آید، نسل اول به آخر می‌رسد، نسل دوم بخشی فعال و بخشی فعال نیستند. در واقع الان نوبت نسل سوم انقلاب است. معتقدم به تناسب تحولاتی که به وجود آمده شیخوخیت به حال خودش باقی است. البته بعضی خواستند بگویند دیگر نیاز به شیخوخیت نیست اما زمان هرچه می‌گذرد، حوادث تازه طوری است که وجود شیخوخیت را می‌طلبد. لذا شیخوخیت اصولگرایی در جایگاه خودش است اما نمی‌توان گفت شیخوخیت همانند سال‌های اول انقلاب برمی‌گردد. خیر، اثرگذاری‌اش مانند آن زمان نیست اما جایگاه شیخوخیت همچنان در بین اصولگرایان محفوظ است. اگر تشکل‌های شیخوخیتی انسجام لازم را داشته باشند و تصمیمات را در وقت خودش بگیرند، در این صورت شیخوخیت می‌تواند همان آثاری که دهه ۶۰ داشت، الان هم داشته باشد. در گذشته تشکیلات جامعه روحانیت در مناطق تهران فعال بود اما الان فعالیت آن‌چنانی در مناطق مشاهده نمی‌شود که خود این مشکل ایجاد کرده است، لذا اگر جامعه روحانیت کل تهران را پوشش دهد اثرگذاری‌اش بیشتر می‌شود. البته استان‌ها در انتخابات مجلس فعال بودند و آثارش هم خوب بود ولی ما در مناطق تهران فعال نبودیم، اگر فعال باشیم با یک اثرگذاری بیشتر می‌توانیم کار کنیم. البته جامعه مدرسین مقداری کارش را توسعه داده است اما جامعه روحانیت بیشتر باید در بین علما حضور داشته باشد».

اما طیف جوان‌تر که ذیل شورای ائتلاف گرد آمده‌اند تمایلی به حفظ این سنت ندارند و ترجیحشان این است که جامعه روحانیت محور نباشد. آنها شورای ائتلاف را برگزیده‌اند. با این حال همه اصولگرایان در ظاهر عنوان می‌کنند که تشکیلات باید جایگزین چهره‌های کاریزمای روحانی شود اما کدام تشکیلات و با حضور کدام چهره‌ها؟

مهدی چمران نایب‌رئیس جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی و عضو فعلی شورای ائتلاف درباره اینکه چه فردی از اصولگرایان شایستگی لیدری این جریان را دارد، گفته بود: درباره ویژگی‌های رهبری اصولگرایان تحقیقی نشده است و درباره اینکه چنین جایگاهی باید فردی یا گروهی و تشکیلاتی باشد باید بررسی عمیقی صورت گیرد. ما بر این اسم‌های گفته‌شده در رسانه‌ها تکیه نمی‌کنیم. علیرضا خجسته‌پور، قائم‌مقام جامعه اسلامی مهندسین، هم گفته بود که دوران چهره‌های کاریزما و شیخوخیت افراد به پایان رسیده. هرکدام از اسامی موجود در جریان اصولگرایی پرآوازه هستند اما مسیر این جناح به سمت ائتلاف‌هاست و نام‌ها راهبر اصولگرایان نخواهند بود. ترقی عضو شورای مرکزی مؤتلفه هم معتقد بود که ما از افراد عبور کردیم و کسی اکنون نمی‌تواند به عنوان فرد نقش رهبری را ایفا کند که همه او را قبول داشته باشند. هیچ وقت بحثی درباره اسامی رهبری در جریان اصولگرایی صورت نگرفته و همه به سمت تشکیلات محوری حرکت می‌کنند. به گفته او این تشکیلات شورای ائتلاف یا وحدت اصولگرایان است که محوریت دارد. این در حالی است که در بین احزاب و جریان‌های اصولگرایی مؤتلفه خود را السابقون می‌داند و طبیعتا وقتی بحث از تشکیلات می‌شود بی‌تمایل نیست که مؤتلفه نقش پررنگ‌تری در این تشکیلات وحدت داشته باشد.

در نهایت به نظر می‌رسد ژنرال‌های اصولگرا که کم‌کم جانشین شیوخ شدند عامدانه به استقبال چنین تغییری رفتند. برخی معتقدند که با پایان عصر شیوخ، دوره مُکلاها فرا رسیده و امثال لاریجانی، حدادعادل و جلیلی و قالیباف و باهنر و رضایی و بادامچیان و در رده‌های پایین‌تر، ضرغامی و فتاح و توکلی و زاکانی و... جزیره‌هایی کوچک و بزرگ از مریدان و حامیان خود را گرد آورده‌اند.

خبر

چمران: شورای ائتلاف نیروهای انقلاب برای انتخابات آماده می‌شود

● **میزان:** نایب‌رئیس شورای مرکزی ائتلاف نیروهای انقلاب با بیان اینکه با دقت و جدیت برای حضور در انتخابات ۱۴۰۰ آماده می‌شویم، گفت: کار را براساس تجربیات جمنا و شورای ائتلافی که برای انتخاب نمایندگان مجلس یازدهم شکل گرفته بود، دنبال می‌کنیم و تعویض نام هم نداریم. مهدی چمران، با اشاره به آخرین اقدامات شورای ائتلاف جریان اصولگرایی اظهار کرد: شورای ائتلاف اصولگرایی فعال شده است و برنامه‌های خود برای شرکت در انتخابات ۱۴۰۰ را با دقت و جدیت دنبال می‌کند. تعدادی از دفاتر استانی، مجامع استانی خود را برگزار کرده‌اند و بعد مجامع شهرستانی‌شان را برگزار می‌کنند تا اسامی نیروهای مدنظر خود را برای انتخابات شوراها سریع‌تر اعلام کنند. کار را با سرعت، دقت، برنامه‌ریزی و براساس تجربیات جمنا و شورای ائتلافی که برای انتخاب نمایندگان مجلس یازدهم شکل گرفته بود، دنبال می‌کنیم و تعویض نام هم نداریم. از همه احزاب دعوت کردیم تا در شورای ائتلاف حاضر شوند، همه آنهایی که در شورای ائتلاف قبلی برای انتخابات مجلس بوده‌اند و چه احزاب اصولگرایی که در این ائتلاف حضور نداشتند تا بیایند و کار موازی که نتیجه مثبتی هم نخواهد داشت، شکل نگیرد.

درباره رئیس‌جمهور آینده علم غیب نداریم!

● **برنا:** حجت‌الاسلام‌والمسلمین «محمدتقی رهبر»، عضو جامعه روحانیت مبارز، درباره برنامه‌های انتخاباتی اصولگرایان برای ۱۴۰۰ گفت: طبیعتا جامعه روحانیت نسبت به یک امر مهم سیاسی کشور که انتخابات ریاست‌جمهوری یکی از آنهاست، نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد. به‌هرحال کلیاتی درباره مشخصات رئیس‌جمهور در قانون اساسی آمده است. این عضو جامعه روحانیت مبارز در پاسخ به این سؤال که مردم چگونه می‌توانند به شعارها و سخنان کاندیداها اعتماد کنند و تشخیص دهند که پوپولیستی نیست، اظهار کرد: به‌هرحال ما درباره آینده افراد، علم غیب نداریم اما سابقه کار مدیریتی کاندیداها در یک پُست و جایگاهی می‌تواند تا حدودی کمک‌کننده باشد، چراکه به‌هرحال این سوابق محفوظ بوده و روبه‌روی چشم مردم قرار دارد، درعین‌حال پرونده‌های این افراد، موجود است.